



سازمان ملل در مورد عواقب سنگین ادامه‌ی جنگ برای غیرنظامیان در قندهار هشدار داد

هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) از افزایش خشونت‌ها و حملات دوامدار طالبان بر شهر و اطراف ولایت قندهار، ابراز نگرانی کرده و در مورد عواقب سنگین ادامه‌ی جنگ برای غیرنظامیان در مناطق شهری قندهار هشدار داده است.



صفحه ۲

بایدن در بیانیه‌ی خوش آمدگویی به ترجمانان افغان، خواهان کاهش فوری خشونت در افغانستان شد

اطلاعات روز: نخستین گروه ترجمانان افغان صبح دیروز وارد ایالات متحده‌ی امریکا شده است. تعداد این ترجمانان با اعضای خانواده‌هایشان...

صفحه ۲

معدن خالی نادانی



صفحه ۳

میراث شوم غول‌های نفتی در نیجریه؛

زنان ماهی گیر، شورون و لوله‌ای که نشستی دارد

صفحه ۴

کنار نرفتن غنی مانع صلح است یا بهانه‌ای برای طالبان؟

صفحه ۷

یادداشت روز

طالبان چه می‌کنند؟

پیشروی طالبان در قریه‌ها، ولسوالی‌ها و مناطقی از شهرها پر از مثال‌های تکان‌دهنده و خشن است. قساوت طالبان در کشتار افراد ملکی، رگبار نیروهای امنیتی در حین تسلیمی، تخریب اماکن و دارایی‌های عامه، شکنجه‌ی هنرمندان، آزار و اذیت زنان و عقده‌گشایی و تاراج دارایی سیاستمداران و مقامات حکومتی، همه و همه را دیدیم و تماشا کردیم. همه‌ی این رخدادها که فراوانند، آزاردهنده و ناامیدکننده بود.

آنچه طالبان با تصرف مناطق تازه بر اماکن عمومی، نظامیان و ملکی‌ها کردند، نشان‌دهنده‌ی قساوت و نادانی این گروه است. به تصاویری که از انفجار ساختمان‌های دولتی برجها مانده، یا بمب‌گذاری پل و راه‌های مواصلاتی، یا خشونت و شکنجه خاشه قندهاری و تصاویری از تاراج خانه جنرال رازق و قبر احمدولی کرزی می‌بینیم، همه بیانگر نفرت و جهل عمیقی است که جنگ‌جویان این گروه در سطوح متفاوت با خود دارند.

مشاهده و نظاره همه‌ی این موارد به این معناست که طالبان تغییری سالمی نکرده‌اند...

۲

گزارش ۴

آوارگان جنگی، نه راهی برای برگشت دارند و نه جایی برای زندگی

عضو خانواده‌ی ۱۶ نفری‌شان. افراد طالبان دو برادر جوان او را که غیرنظامی بودند در مرادینه‌ی مالستان، جایی که آن‌ها زندگی می‌کردند، گلوله‌باران کرده‌اند. در ماه‌های اخیر، هزاران خانواده مثل خانواده‌ی غلامرضا بر اثر درگیری، جنگ و سقوط مناطق‌شان...

نزدیک به دو هفته قبل وقتی افراد گروه طالبان مرکز ولسوالی مالستان را تصرف کردند، خانواده‌ی غلامرضای ۲۶ ساله مثل صدها خانواده‌ی دیگر سراسیمه از روستای‌شان فرار کردند. آن‌ها یک هفته قبل با پشت‌سرگذاشتن مشقت‌ها و خطرهای زیادی به کابل رسیده‌اند اما بدون دو

گزارش ۵



پیشروی طالبان در هرات؛ خطوط جنگ به شهر نزدیک شد

روز جمعه، ۸ ماه اسد، منطقه‌ی «پشتون‌پل» و «پل مالان» دو نقطه‌ی نزدیک به شهر هرات گواه درگیری سنگین میان نیروهای دولتی و طالبان بود. عکس‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی به نشر رسیده...

۳

گزارش

دختر گل فروش؛ دوست مهربان کودکان خیابانی کابل کیست؟

چشمانش به جاده‌ی طولانی خیره بود و انتظار می‌کشید. آرام و قرار نداشت و تمام حواس خود را به نقطه‌ای معطوف کرده بود. به آن نقطه‌ای که مردان و زنان در حال عبور و مرور بودند تا به طرف آن‌ها بدود و با شیرین‌زبانی گل‌دان‌های رنگارنگ و نقاشی‌شده‌اش را که روی میز بزرگ برای نمایش در چهارراه پل سرخ کابل گذاشته بود، به آن‌ها معرفی کند. چهره‌اش بر اثر تازیان هوای گرم تابستان سرخ شده بود. جلو می‌روم و خودم را معرفی می‌کنم. می‌خندد و می‌گوید یعنی آن قدر معروف شده‌ام؟ همان گونه که به سمت عابران می‌دود، می‌گوید اسمش شهلا بهشتی است و ۲۲ سال دارد. اما کودکان کار حوالی پل سرخ به او خاله باران و مردم دختر گل فروش می‌گویند...

New Semester
July 31, 2021

Join us to Actualize your Academic Dreams!

خانه موفقیت
The TOEFL HOUSE
Unlock the World with TOEFL

0747 994 244
0745 651 844
0747 918 200

شعبه کوه سگی: گولایی دوخمله، ایستگاه سابقه.
شعبه برجی: ایستگاه مغازه، رویروی جلیلی ستر.
شعبه سلیم کلون: سردک چهارمتره، چهارپایه سلیم کلون.

TOEFL House

سازمان ملل در مورد عواقب سنگین ادامه‌ی جنگ برای غیرنظامیان در قندهار هشدار داد

کمیسیون مستقل حقوق بشر نیز در گزارشی گفته است که طالبان بدون اعتنا به قواعد حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی، به قتل و کشتار انتقام‌جویانه‌ی افراد غیرنظامی در اسپین‌بولدک اقدام کرده و مرتکب جنایت جنگی شده‌اند.

پیش از کمیسیون حقوق بشر، دادستانی کل افغانستان اعلام کرده بود که کشتار ده‌ها باشنده‌ی ولسوالی اسپین‌بولدک ولایت قندهار مصداق بارزی از جرایم بین‌المللی بوده و در کد جزای این کشور تحت جرایم نسل‌کشی و جنایت جنگی، جرم‌انگاری شده است.

شده‌اند. این تعداد غیرنظامیان در جریان درگیری‌ها میان نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان و جنگ‌جویان گروه طالبان کشته و زخمی شده‌اند.

این درحالی است که در هفته‌های اخیر جنگ در ولایت قندهار شدت یافته است. طالبان با تصرف ولسوالی استراتژیک اسپین‌بولدک، تا دروازه‌های شهر قندهار نیز پیش‌روی داشته‌اند.

پیشتر وزارت داخله گفته بود که طالبان پس از تصرف ولسوالی اسپین‌بولدک، بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر را از خانه‌های‌شان بیرون کرده و حدود ۱۰۰ نفرشان را تیرباران کرده‌اند.

در قندهار وجود دارد. یوناما تأکید کرده است که روی تصدیق حقایق درباره‌ی آسیب‌های غیرنظامی کار می‌کند.

نمایندگی سازمان ملل در کابل از طرف‌های درگیر در جنگ خواسته است که نهایت خویشتن‌داری را به خرج داده و تمام اقدامات ممکن را برای محافظت از غیرنظامیان در برابر آسیب‌های بیشتر انجام دهند.

از سوی هم، دفتر هماهنگی امور کمک‌های بشری سازمان ملل متحد (اوپا) در گزارشی، گفته است که در جریان دو هفته‌ی گذشته بیش از ۷۰۰ غیرنظامی در این ولایت کشته و زخمی

اطلاعات روز: هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) از افزایش خشونت‌ها و حملات دوامدار طالبان بر شهر و اطراف ولایت قندهار، ابراز نگرانی کرده و در مورد عواقب سنگین ادامه‌ی جنگ برای غیرنظامیان در مناطق شهری قندهار هشدار داده است.

یوناما دیروز (جمعه، ۸ اسد) در رشته‌توییتی گفته است که از تاریخ ۱۶ جولای تا کنون ۲۳۰ غیرنظامی در قندهار زخمی شده‌اند و احتمال دارد آمار زخمیان بیشتر از این باشد.

یوناما گفته است که گزارش‌های موثق در مورد کشته‌شدن تعداد زیادی غیرنظامیان

آنچه رسانه‌های خارجی از تغییر و جهان‌دیدگی طالبان روایت می‌کردند، یک انتظار عبث است. این گروه با تصرف مناطق تازه و عملکردهای خشن نشان داد که قساوت و نفرت بخشی از وجود جنگ‌جویان این گروه است. تنها رویدادهایی که در قندهار اتفاق افتاد، بازتاب‌دهنده‌ی عملکرد و واقعیت طالبان است. از تاراج و کینه‌جویی بر خانه جنرال رازق در اسپین‌بولدک و رگبار افراد ملکی در این نقطه‌ی مرزی چه می‌توان برداشت کرد؟ از تحقیر و بی‌حرمتی آرامگاه احمدولی کرزی چه؟ از خشونت و آزار و مرگ و بازی با جنازه‌ی خاشه قندهاری چه می‌توان برداشت کرد، جز نفرت‌اندوزی عمیق و بی‌رحمی بی‌اندازه‌ی جنگ‌جویان طالبان.

روایت تغییر طالبان اگر درست می‌بود، جنگ‌جویان این گروه با این حجم از نفرت، خشونت و کینه‌توزی با امکان عمومی، ملکیت و دارایی مقامات، غیرنظامیان و گروه‌های متفاوت جامعه برخورد نمی‌کردند. بسیاری از سیاستمداران و مقامات و نظامیان حکومت که از دوران امارت اسلامی نفرت و کینه در دل داشتند، آرام آرام به صلح و بخشش روی آوردند. نمونه‌اش جنرال رازق بود که به‌صورت واضح مشهود بود که دست از قساوت در فرماندهی پولیس قندهار رفته رفته بازداشت. اما عسکر و صاحب‌منصب طالب در پی تازه‌کردن زخم‌هایی است که افغانستان و مردمش را قربانی کرده است.

طالبان نمی‌دانند که با انتقام‌جویی و کینه‌توزی، زخم‌های تازه و بی‌پایان دیگر را باز می‌کنند. زخم‌هایی که ربطی به حکومت و قدرت ندارد. خانه به خانه کاشته می‌شود و روزی ممکن است به برخوردی مشابه با طالبان بینجامد. و این همان چرخه‌ی باطلی است در آن غرقیم و از شهروندان و هموطنان ما قربانی می‌گیرد.

دست‌کم انتظار می‌رود که رهبری سیاسی طالبان و افرادی که در طی چند سال گذشته با سیاست و روابط فراتر از درون‌گروهی آشنا شده‌اند، این حس و کینه‌ی انتقام‌جویی و قساوت را نظارت و کنترل کنند. دفتر طالبان در قطر و فرماندهی این گروه در کویته باید جلو خودسری و خشونت جنگ‌جویان‌شان را بگیرند. اگر چنین نشود، جنون خشونت از انتقام‌جویی از مقامات حکومتی و ساختمان‌های دولتی بسیار فراتر خواهد رفت. مادامی که جنگ است و سلاح، جنگ‌جویان طالبان برای قساوت و بی‌رحمی تشنه‌تر خواهند شد. و آثار و نتایجی که از آن برجا می‌ماند، بی‌شمار و جبران‌ناپذیر خواهد بود.



بایدن در بیانیه‌ی خوش‌آمدگویی به ترجمانان افغان، خواهان کاهش فوری خشونت در افغانستان شد

سومی منتقل کند.

آقای بایدن همچنین گفته است که اگرچه نیروهای امریکایی در حال خروج از افغانستان اند، اما ایالات متحده به کمک‌های امنیتی، بشردوستانه و انکشافی به مردم افغانستان ادامه می‌دهد.

بایدن تأکید کرده است که مردم افغانستان را در راستای حفظ دستاوردهای بیست سال گذشته حمایت می‌کنند و به پشتیبانی دپلماتیک از روند صلح افغانستان نیز

برای افغانستان ساخته شود، متعهد اند.

جو بایدن در بیانیه‌اش که در وبسایت کاخ سفید منتشر شده، گفته است که به وعده‌ی خود به هزاران شهروند افغانستان که شانه به شانه و همگام با نظامیان و دپلمات‌های امریکایی در بیست سال گذشته کار کردند، عمل می‌کند.

بایدن افزوده است که به سرعت تلاش می‌کند تا افغان‌های واجد شرایط را از افغانستان خارج و به امریکا یا کشور

اطلاعات روز: نخستین گروه ترجمانان افغان صبح دیروز وارد ایالات متحده‌ی امریکا شده است. تعداد این ترجمانان با اعضای خانواددهای‌شان حدود دوهزار و ۵۰۰ نفر گفته شده است.

مقام‌های ارشد ایالات متحده‌ی امریکا از جمله جو بایدن، رییس‌جمهور و آنتونی بلینکن، وزیر خارجه‌ی آن کشور به این گروه از شهروندان افغان خوش‌آمدید گفته و تأکید کرده‌اند که به کمک با کسانی که شجاعانه با امریکا کار کردند تا آینده‌ی بهتری

گزارش‌گران بدون مرز جامعه جهانی را به تأمین امنیت خبرنگاران در افغانستان فراخواند

او، آواز تمام خبرنگاران یک است و بدون آزادی رسانه‌ها، آزادی دیگری نیز وجود نخواهد داشت.

معینی به کشتار هدفمند ۱۱ خبرنگار در جریان یک سال گذشته اشاره کرد و گفت که قتل این خبرنگاران نه تنها برای افغانستان، بلکه برای جامعه‌ی رسانه‌ای در سطح جهان فاجعه بوده است.

او گفت که سازمان گزارش‌گران بدون مرز شکایتی را برای بررسی قتل این خبرنگاران در دیوان کیفری بین‌المللی ثبت کرده است.

براساس آمار سازمان گزارش‌گران بدون مرز، از سال ۲۰۰۱ میلادی تا کنون بیش از ۷۰ خبرنگار در افغانستان کشته شده‌اند. از این میان، ۱۷ خبرنگار شهروند کشورهای خارجی بوده‌اند.

مسئول دفتر سازمان گزارش‌گران بدون مرز در افغانستان در جریان صحبت‌هایش گفت که برخی از کشورها که امروز به نوعی به «دشمنان آزادی اطلاع‌رسانی» اعتبار می‌بخشند، روزنامه‌نگاران خودشان در افغانستان برای آزادی اطلاع‌رسانی و کرامت انسانی، به خاک افتاده‌اند.



معینی گفت که ایجاد ساختار برای شناسایی تهدیدها باید اطمینانی برای اضطراب ناشی از جنگ روانی کنونی علیه خبرنگاران و جامعه رسانه‌ای داشته باشد.

مسئول دفتر سازمان گزارش‌گران بدون مرز در افغانستان گفت که این پروتکل باید عملی شود، اما کمیته مشترک حکومت و رسانه‌ها صلاحیت دارد آن را پیش از تطبیق، بررسی کند.

رضا معینی گفت که برای سازمان گزارش‌گران بدون مرز مهم است که در وضعیت بحرانی و اضطراب، در کنار روزنامه‌نگاران افغانستان باشد. به‌گفته‌ی

بدون مرز پروتکلی را در اختیار کمیته مشترک حکومت و رسانه‌ها قرار داده است

که می‌تواند گامی در راستای تأمین امنیت خبرنگاران باشد.

رضا معینی گفت که در این پروتکل ایجاد یک ساختار که بتواند به‌شکل متمرکز و جدی‌تر تهدیدها علیه خبرنگاران و رسانه‌ها را شناسایی کند، پیشنهاد شده است.

همچنین، به‌گفته‌ی او، در حال حاضر یک جنگ روانی و یک جنگ سرد و ایدئولوژیک علیه حکومت افغانستان و علیه آزادی اطلاع‌رسانی و خبرنگاران این کشور به راه افتاده است.

اطلاعات روز: همزمان با تشدید ناامنی‌ها و نگرانی از افزایش تهدیدها علیه خبرنگاران و رسانه‌ها در افغانستان، سازمان گزارش‌گران بدون مرز می‌گوید در صورتی که جنگ شدت یابد، رسانه‌های بیشتری در افغانستان با تعطیلی مواجه خواهند شد. رضا معینی، مسئول دفتر سازمان گزارش‌گران بدون مرز در افغانستان دیروز (جمعه، ۸ اسد) در یک نشست خبری مشترک با ضیا بومیا، معاون کمیته مشترک حکومت و رسانه‌ها در کابل، جامعه جهانی را به تأمین امنیت خبرنگاران در افغانستان فراخواند.

آقای معینی گفت که سیاست سازمان گزارش‌گران بدون مرز این نیست که کشورهای مختلف از جمله افغانستان را از خبرنگاران خود خالی کند، بلکه از جامعه جهانی می‌خواهد که امنیت روزنامه‌نگاران را در داخل خاک افغانستان تأمین کند.

معینی گفت که در بیرون از افغانستان تبلیغ می‌شود که خبرنگاران افغانستان روحیه‌ی‌شان را از دست داده‌اند و نمی‌خواهند مقاومت کنند.

با این حال، او گفت که سازمان گزارش‌گران

۱۸۰ نفر در پی جاری‌شدن سیلاب مرگبار در نورستان کشته و ناپدید شده‌اند

پس از صحبت با سره میاشت، این نهاد مدد‌رسان با طالبان صحبت کرده و به ولسوالی کامدیش رفته است.

عبدالسمیع ضربی اطمینان داد که تمامی امکانات لازم به‌شمول پول نقد، مواد غذایی و غیرغذایی و همچنین کیت‌های صحتی در ولایت نورستان موجود است و در صورت بازشدن راه، به آسیب‌دیدگان کمک توزیع خواهد شد.

به‌گفته‌ی او، در حال حاضر سره میاشت در حال تدارک کمک به افراد آسیب‌دیده و خانواده‌های قربانیان سیلاب است.

امور رسیدگی به حوادث گفت که براساس آمار ابتدایی، نزدیک به ۱۵۰ خانه‌ی مسکونی به‌گونه‌ی قسمی و کلی تخریب شده است.

آقای ضربی در صحبت با روزنامه اطلاعات روز گفت که دو پل موتوررو و ده‌ها جریب زمین زراعتی نیز تخریب شده و ده‌ها رأس مواشی از بین رفته است. ضربی گفت که راه ولسوالی کامدیش از ولسوالی غازی‌آباد کتر می‌گذرد و این ولسوالی [غازی‌آباد] تحت کنترل گروه طالبان قرار دارد.

معاون سخن‌گوی وزارت دولت در امور رسیدگی به حوادث افزود که

ولایتی نورستان به روزنامه اطلاعات روز گفت که بیش از ۲۰۰ نفر از ساکنان روستای «مهردیش» ولسوالی کامدیش در پی جاری‌شدن سیلاب ناپدید شده‌اند.

آقای نورستانی از حکومت افغانستان و سره میاشت خواست که به منطقه‌ی یادشده کمک برسانند.

والی نورستان اما می‌گوید که سره میاشت به ساحه رسیده و ارزیابی‌ها را آغاز کرده است. او گفت که کمک‌ها نیز براساس ارزیابی‌های سره میاشت توزیع خواهد شد.

در همین حال، عبدالسمیع ضربی، معاون سخن‌گوی وزارت دولت در

اطلاعات روز: مقام‌های محلی در ولایت نورستان در شرق افغانستان می‌گویند که در پی جاری‌شدن سیلاب مرگبار در ولسوالی کامدیش این ولایت، در حدود ۱۸۰ نفر ناپدید شده‌اند که از این میان، جسد ۶۰ نفرشان پیدا شده است.

حافظ عبدالقیوم، والی نورستان به روزنامه اطلاعات روز گفت که در نتیجه‌ی این سیلاب در حدود ۸۰ خانه‌ی مسکونی نیز تخریب شده است. سیلاب مرگبار در ولسوالی کامدیش چهارشنبه شب (۶ سرطان) جاری شده است.

سعیدالله نورستانی، رییس شورای

فریضه عالمی

چشمانش به جاده‌های طولانی خیره بود و انتظار می‌کشید. آرام و قرار نداشت و تمام حواس خود را به نقطه‌ای معطوف کرده بود. به آن نقطه‌ای که مردان و زنان در حال عبور و مرور بودند تا به طرف آن‌ها بدود و با شیرین‌زبانی گلدان‌های رنگارنگ و نقاشی‌شده‌اش را که روی میز بزرگ برای نمایش در چهارراه پل سرخ کابل گذاشته بود، به آن‌ها معرفی کند. چهره‌اش بر اثر تازبان‌های هوای گرم تابستان سرخ شده بود. جلو می‌روم و خودم را معرفی می‌کنم. می‌خندد و می‌گوید یعنی آن قدر معروف شده‌ام؟ همان گونه که به سمت عابران می‌دود، می‌گوید اسمش شهلا بهشتی است و ۲۲ سال دارد. اما کودکان کار حوالی پل سرخ به او خاله باران و مردم دختر گل‌فروش می‌گویند. بیشتر از نیم ساعت منتظر ماندم تا او گلدان‌های که روی آن میز به نمایش گذاشته بود، به عابران نشان دهد و مردم را برای خریدن گل‌هایش تشویق کند.

پس از گذشت نیم ساعت باز هم دور و بر ما پر از مشتری و افراد کنجکاو بود که گوشه به دست در حال عکاسی از دختر گل‌فروش بودند. حتا کودکان کار با سر و صورت نامرتب که برای عابران مزاحم و آزاردهنده بودند برخلاف برای دختر گل‌فروش رفیقان کوچک، هم‌درد، هم‌کار و هم دست بودند. این کودکان همه مصروف همکاری با او و آب دادن به گل‌های روی میز بودند. این کودکان از روی محبت و دوست‌داشتن زیاد به شهلا بهشتی، خاله باران می‌گویند. قصه‌ها و دردهای‌شان را با او در میان می‌گذارند و بیشتر از شش ماه می‌شود که در چهارراه پل سرخ کار و گل‌فروشی می‌کنند.

وقتی با شهلا بهشتی، روبه‌روی نمایشگاهی که او برگزار کرده بود گفت‌وگو کردم جثه‌ی کوچک او ۲۲ ساله به‌نظر نمی‌آمد، هرچند که رفتار و گفتارش مانند کسی بود که سال‌های سال مشکلات زندگی را بر شانه‌های ضعیفش حمل کرده و سیلی زمانه را به جان خریده بود. مجبور است به همراه کودکان کار خیابانی که آن‌ها هم گل‌فروش هستند برای تأمین مصارف خانواده و تحصیل کار کند، اما دلش برای اشتراک در درس و دانشگاه لک زده است. می‌گوید کار با کودکان در جاده‌های کابل دشوار است. خیابان جای خوبی برای من و کودکان نیست. کودکان در جاده‌ها در معرض تجاوز و سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند. در خیابان‌های کابل، گرسنگی، خشونت و بیماری برای این کودکان همیشه وجود دارد.



دختر گل‌فروش؛

دوست مهربان کودکان خیابانی کابل کیست؟

می‌کند که برای رسیدن به آرزو و مصارف روزمره‌اش نیاز به کار کردن دارد، وارد بازار کار می‌شود. او روزها و ماه دنبال کار می‌گردد تا این‌که با کودکان کار در چهارراه پل سرخ آشنا می‌شود.

می‌گوید پیش از این‌که با دنیا و داستان‌های تلخ کودکان کار آشنا شود فکر می‌کرد تنها اوست که عقربه‌های روزگار برخلاف میل او می‌چرخد و بار سنگین زندگی بر دوش او افتاده است تا این‌که با داستان‌های سراسر درد کودکان کار آشنا شود. پس از آن او با کودکان مهربان می‌شود و پا به پای آن‌ها در چهارراه پل سرخ گل می‌فروشد. به همین ترتیب در این کار شهرت می‌یابد و مردم او را به اسم دختر گل‌فروش می‌شناسند و از او با خوشی گل می‌خرند.

او بیشتر از شش ماه می‌شود که با این کودکان کار گل می‌فروشد و همدرد این کودکان شده است: «کار با رفیقان کوچک‌ام را دوست دارم. با هم کار می‌کنیم، غذا می‌خوریم و شهر بازی می‌رویم. پولی که از گل‌فروشی به‌دست می‌آورم یک بخش‌اش را برای لباس و مصارف تعلیم کودکان کار اختصاص داده‌ام.»

او می‌گوید مطمئناً همه‌ی ما در خیابان‌ها و پس‌کوچه‌های شهر کابل، کودکانی را دیده‌ایم که با دست و صورتی چرکین و آفتاب‌سوخته و برخی از آن‌ها با کوله‌پشتی‌های بر دوش کارهایی مثل تمیز کردن ماشین‌ها و التماس کردن به آنان، فروختن دستمال و گل، گدایی و اسفند دود کردن مشغول هستند. این کودکان نه تنها کار می‌کنند بلکه برخی از کودکان خیابانی زندگی خود را در خیابان‌ها از طریق بیماری، خشونت جسمی و تصادف از دست می‌دهند که این نوع زندگی و این حجم از مشقت و سختی حق یک کودک معصوم نیست.

دختر گل‌فروش می‌گوید او هم در کودکی آرزوهای قشنگ و کودکانه‌ای داشت که می‌خواست مانند کودکان دیگر بی‌دغدغه با پدران و مادران‌شان زندگی کند. اما سناریوی زندگی کودکان کار تلخ و دردناک است و لازم است شرایط آنان را مردم و دولت درک کنند تا بتوانند برنامه‌ی عادلانه و اثربخش طراحی کنند.

خاله باران پس از این‌که مشهور به دختر گل‌فروش می‌شود تصمیم می‌گیرد به‌جای گل‌فروشی در خیابان، جای ثابتی برای فروش گل‌هایش پیدا کند. او با پول اندک که دارد دکان کوچک برای فروش گل‌هایش در چهارراه پل سرخ باز کرده است و در آینده قرار است کتاب «من کودک خیابانی‌ام» را که قصه‌های تلخ و شیرین کودکان کار است، تمام کند.

آزار قرار می‌گیرند. آن‌ها با متلک‌شنیدن خیلی آشنا هستند و برای‌شان طبیعی شده، ولی همچنان این موضوع به‌شدت آزارشان می‌دهند و دوست ندارند در خیابان نگاه تحقیرآمیزی نسبت به آن‌ها شود.

او با نشان دادن چند پسری که در هنگام مصاحبه مزاحم گفت‌وگویی ما می‌شدند می‌گوید «مردم حرف‌های زشت به من و کودکان می‌گویند. بارها اتفاق افتاده است که مردم به‌جای دانستن قیمت گل‌ها با پایین کردن شیشه‌های موترشان متلک می‌گویند که گل را بان قیمت خودت چند است؟»

می‌گوید کودکانی که با او گل می‌فروشند هوش بسیار بالایی دارند و با وجود سن کم کاملاً نسبت به شرایط زندگی‌شان آگاه هستند و با یک سری شرایط و تمهیداتی مانند پابندی به روابط درون‌گروهی که برای خودشان به‌وجود می‌آورند در پی تأمین امنیت خودشان در خیابان هستند. آن‌ها در کنار تأمین امنیت خود از خاله باران‌شان نیز حفاظت می‌کنند: «به همان اندازه که من با کودکان کمک می‌کنم، آنها نیز اجازه نمی‌دهند که مردم به من آسیبی برسانند و یا سبب آزار و اذیت من شوند.»

شهلا بهشتی دانشجوی سال چهارم دانشکده طب در یکی از دانشگاه‌های کابل بوده و به سبب نبود اقتصاد خوب نتوانسته رشته دلخواه‌اش را ادامه دهد. او پس از آن‌که نمی‌تواند دانشگاه را ادامه دهد و احساس

نمی‌دانند که او کجا است و چی می‌کند. یک تعداد از کودکان می‌گفتند حتماً او را کسی اختطاف کرده. وقتی به پولیس مراجعه کردم بدون مدرک کس دنبال‌سنا نگشتند. تا حال که بیشتر از سه ماه می‌گذرد کسی در مورد سنا نمی‌دانیم.»

«قیمت خودت چند است؟»

کودکانی که با شهلا بهشتی کار می‌کنند در کنار این‌که در خیابان‌ها با مشکلات و آزار و اذیت‌های مختلف روبه‌رو هستند، آزار کلامی یکی از بزرگ‌ترین آزارهایی است که او و کودکان کار هر روز در فضای عمومی تجربه می‌کنند. کودکان به واسطه حضور طولانی که در خیابان دارند، روزانه مورد

”

دختر گل‌فروش می‌گوید او هم در کودکی آرزوهای قشنگ و کودکانه‌ای داشت که می‌خواست مانند کودکان دیگر بی‌دغدغه با پدران و مادران‌شان زندگی کند. اما سناریوی زندگی کودکان کار تلخ و دردناک است و لازم است شرایط آنان را مردم و دولت درک کنند تا بتوانند برنامه‌ی عادلانه و اثربخش طراحی کنند.

”

تحلیل

معدن خالی نادانی



سخن‌داده‌ها

گروه‌های افراطی‌ای چون طالبان با پشتیبانی نسلی به میدان آمدند و قوت گرفتند که در مغاره‌های یک عصر دیگر پرورش یافته بودند. اسم آن مغاره‌ها را گذاشته بودند «مدرسه». در آن مدارس به شاگردان علم نمی‌آموزانند. نادانی یاد می‌دادند.

وقتی به کسی علم یاد می‌دهید، به او می‌گویید که قول‌های مختلف را بشنود، به چهارسوی خود نگاه کند و میان دانشی که پرده از چیزی برمی‌دارد و منقولاتی که هیچ بنیاد معقولی ندارند تفکیک کند. به او می‌گویید که مغز خود را به کار بیندازد و به‌عنوان یک فرد انسانی اندیشه‌وری کند و پدیدارها را از زاویه‌های گوناگون مورد تحلیل و کاوش قرار دهد.

اگر کسی را در اتاقی بنشانید و به او بگویید که فلان اقوال را تکرار کند و جز آن اقوال به هیچ چیز دیگری توجه نکند؛ اگر به او بگویید که تمام شک‌ها و پرسش‌های خود را متوقف کند و تنها به آن چیزی که برای او نقل می‌شود ایمان بیاورد؛ اگر به او بگویید که چشم‌های خود را ببندد و فکر خود را تعطیل کند و فقط در برابر آنچه به او القاء می‌شود سر به تأیید تکان بدهد؛ اگر به او چیزهایی یاد بدهید که جهان را چیزی بسیط نشان می‌دهند و انسان را و

داشتن مغاره‌هایی که بتوان در آن‌ها به افراد نادانی یاد داد، سهل بود. امروز کار نادانی‌فروشان مغاره‌ساز سخت‌تر شده است. حالا نورافکن‌های اطلاعات حتا بر تاریک‌ترین مغاره‌ها نیز روشنی می‌اندازند و پنهان‌ترین گوشه‌های آن مغاره‌ها را نیز به روی جهان بزرگ باز می‌کنند. در چنین وضعیتی، برای پاسبانان مغاره‌ها بسیار دشوار است که هر وقت بخواهند به معادن نادانی مالوف خود مراجعه کنند و آن مقدار نادانی غلیظی را که سابق می‌توانستند به دست بیاورند، حالا نیز به دست بیاورند. نادانی‌های غلیظ گذشته امروز در زیر اشعه‌ی اطلاعات غیرقابل کنترل بیرونی رقیق می‌شوند و گاهی از میان می‌روند.

نتیجه‌ای که از این وضعیت می‌توان گرفت این است که رادیکالیسم اسلامی، در هیئت ایدئولوژی‌های طالبانی، با چالشی بسیار سخت روبه‌رو شده است. فقط کافی است کسانی که به جهانی بهتر و روشن‌تر باور دارند، امید و پایداری خود را از دست ندهند و با تعهد و قوت بیشتری بر ارزش‌های شریف انسانی پا بگذارند. دیواره‌های مغاره رخنه برداشته‌اند و تاریکی در حال عقب‌نشستن است. جویندگان نادانی از این پس معادن و مغاره‌های نادانی را هر روز خالی‌تر خواهند یافت و برای گستراندن ظلمت کارگزاران کمتری خواهند داشت.

دهه‌های هفتاد و هشتاد و حتا نود میلادی (یعنی در سال‌های هیجان جهاد اسلامی در افغانستان) ابزارهای تبادل اطلاعات، یعنی چیزهایی چون انترنت و گوگل و یوتیوب و فیسبوک، در اختیار همگان نبودند. از آن سو، ورود کتاب کاغذی به اکثر جاها را می‌شد به راحتی ممنوع کرد. به بیانی دیگر، برپا

توان انسان و تکلیف انسان را به چهار تعهد مذهبی یا ایدئولوژیک چون و چرناپذیر تقلیل می‌دهند؛ اگر سیستم آموزش‌تان این باشد، این سیستم آموزش نادانی است.

طالبان پروردگان مغاره‌هایی بودند که پیش از امکان گسترده‌ی تبادل اطلاعات برپا شده بودند. در

عابر شایگان

نزدیک به دو هفته قبل وقتی افراد گروه طالبان مرکز ولسوالی مالستان را تصرف کردند، خانواده‌ی غلام‌رضای ۲۶ ساله مثل صدها خانواده‌ی دیگر سراسیمه از روستای شان فرار کردند. آن‌ها یک هفته قبل با پشت‌سرگذاشتن مشقت‌ها و خطرهای زیادی به کابل رسیده‌اند اما بدون دو عضو خانواده‌ی ۱۶ نفری‌شان. افراد طالبان دو برادر جوان او را که غیرنظامی بودند در مرادینه‌ی مالستان، جایی که آن‌ها زندگی می‌کردند، گلوله‌باران کرده‌اند.

در ماه‌های اخیر، هزاران خانواده مثل خانواده‌ی غلام‌رضا بر اثر درگیری، جنگ و سقوط مناطق شان به‌دست گروه طالبان، آواره شده‌اند. بر پایه‌ی آمار وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان افغانستان، پس از ماه حمل امسال حدود ۵۱ هزار خانواده، محل دائمی سکونت‌شان را ترک کرده و به جاهای امن‌تری در مراکز شهرها پناه برده‌اند. این آوارگان جنگی بیشتر از مناطق درگیر جنگ و ولسوالی‌های که از کنترل دولت خارج شده و به‌دست گروه طالبان افتاده، فرار کرده و به مراکز شهرهای امن‌تر کوچیده و نیازمند کمک‌های فوری و حیاتی‌اند. یکی از آن‌ها ثریای ۳۰ ساله است که ۸ فرزند زیر ۱۸ سال دارد. خانواده‌ی ۱۰ نفری او ۱۴ روز قبل به علت ترس و وحشت از طالبان شبانه از خانه‌شان فرار کرده و از مسیر کوه‌ها با پای پیاده از مالستان به سمت جاغوری راه افتادند. در این مسیر چندین شب گرسنه و تشنه در کوه‌ها مانده و خطر مرگ را پشت سر گذاشته‌اند: «۱۳ یا ۱۴ روز می‌شود که آوارهایم. با نوزاد ۴۰ روز گشته و تشنه در کوه‌ها ماندیم. سه‌چهار شب در کوه‌ها ماندیم. یک دخترم مرخص شد، کم مانده بود که بمیرد. ما چند روز در کوه‌ها صبر کردیم که شاید منطقه آرامی شود اما نشد و ما مجبور شدیم که آن‌جا را ترک

منبع: روت مکین، نیویورک تایمز
مترجم: شریفه عرفانی

منطقه دلتای نیجر در نیجریه یکی از آلوده‌ترین مکان‌های کره زمین است. اکنون زنان ماهی‌گیر این منطقه، سعی دارند شرکت‌های نفتی را وادار به پاسخ‌گویی کنند. شرکت‌هایی مانند شورون، شل و انی در دهه‌های گذشته میلیاردها دالر سود در منطقه وسیع دلتای نیجر به دست آورده‌اند. اما در حال حاضر برخی از این شرکت‌ها در حال خروج هستند، و طبق گفته‌ی ناظران دولتی و سازمان‌های محیط‌زیست و حقوق بشر، این منطقه را در وضعی رها می‌کنند که کاملاً رو به ویرانی است.

در ماه فروری سال جاری، گروهی از زنان ماهی‌گیر، که نگران لکه نفتی جدیدی بودند که باعث مسمومیت هزاران ماهی شده بود، لوله شکسته‌ای متعلق به شرکت شورون را پیدا کردند. به گفته‌ی مردم محلی این لوله را این غول نفتی امریکایی ۴۶ سال قبل در آن‌جا کار گذاشته بود. زنان به مقامات محلی اطلاع دادند. مقامات نیز به شرکت تابعه شورون نیجریه اطلاع دادند. به گفته‌ی مقامات محلی، در ابتدا، شورون به این هشدارها توجهی نکرد و نفت همچنان نشت می‌کرد. دیری نگذشت که این مایع سیاه ریشه گیاهان حرا را در بر گرفت؛ درختانی که آب شور دوست دارند و مهد پرورش ماهی و صدف‌ماهی هستند. این امر اکوسیستم ظریف دلتای نیجر را که روزگاری مملو از گیاهان و حیوانات متنوع بود با تهدید بیشتری مواجه کرد.

در نتیجه، نبردی بین شورون و صدها زن ماهی‌گیر در دلتای نیجر آغاز شد. شورون منکر نشت نفت از لوله‌های این شرکت بود، اما زنان تأکید داشتند که این تنها نمونه دیگری از امتناع شرکت‌های نفتی از پذیرش مسئولیت است و تصمیم گرفتند که مبارزه را به درهای شرکت

کنیم.»

آوارگی ثریا و نوزاد ۴۰ روزه‌اش فرزند و خانواده ۱۰ نفری آن‌ها به کوه و دشت‌های پیموده‌شده‌ی مالستان و جاغوری خلاصه نمی‌شود. حالا که آن‌ها به کابل رسیده‌اند هم آواره و بدون سرپناه‌اند. تعداد این آوارگان براساس آمار که شورای مردم مالستان اعلام کرده به ۳ هزار خانواده می‌رسد. این آوارگان جنگی که بخشی از آن‌ها به حومه‌ی غرب شهر کابل آمده‌اند تا حالا به کمک مردم در مسجدها، خانه‌ی اقارب و یا دکان‌های خالی اسکان داده شده‌اند و هنوز دولت هیچ توجه و کمکی به آن نکرده است.

وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان افغانستان می‌گوید که پس از افزایش درگیری‌ها و خشونت‌ها، برنامه‌های توسعه‌ای و بلندمدت خود را به حالت تعلیق درآورده و کمک به بی‌جاشدگان و آوارگان جنگی را در اولویت کار خود قرار داده است. رضا باهر، معاون سخنگوی این وزارت می‌گوید که رسیدگی به نیازهای اولیه‌ی بی‌جاشدگان که شامل تهیه مسکن، مواد غذایی و غیرغذایی و توزیع پول نقد است، اکنون جریان دارد. به گفته‌ی او از اوایل ماه حمل تا اکنون ۷۲ هزار بسته‌ی کمکی، چیزی حدود یک و نیم برابر تعداد بی‌جاشدگان، به آن‌ها توزیع شده است. اما تعدادی از آوارگان جنگ غزنی، بامیان و ولایت‌های غربی که اطلاعات روز با آن‌ها صحبت کرده، می‌گویند که هنوز هیچ نوع کمک از جانب دولت دریافت نکرده‌اند.

هرچند آوارگان جنگ از تمام ولایت‌های افغانستان هستند اما بر پایه‌ی آمار وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان بیشترین رقم بی‌جاشدگان مربوط به ۱۲ ولایت از جمله کندز، فاریاب، جوزجان، لغمان، قندهار، هلمند و ننگرهار هستند. بیشتر آوارگان از مناطق جنگی و تحت قلمرو طالبان به مراکز ولایت‌ها می‌روند. مرکز

نفت برسانند. زنان از ۱۸ جامعه دست به اعتراض گسترده‌ی کاملاً زنانه‌ی زدند و در تاریخ ۲۶ ماه مارچ، تاسیسات محلی شورون را اشغال کردند و قسم خوردند تا تحقیقات در خصوص نشت نفت آغاز نشده، آن‌جا را ترک نکنند. در میان این زنان، مادران تازه زایمان کرده با نوزادانی بر پشت و مادرکلان‌های پیر ۸۰ ساله نیز به چشم می‌خورد.

آن‌ها سوار بر قایق‌های خود به تاسیسات محلی شورون هجوم بردند. اونیتشا جوزف، یکی از زنان ماهی‌گیر که بالای رودخانه‌های پرپیچ‌وخم دلتای نیجر زندگی می‌کند، گفت: «شما می‌خواهید ما را با نفت خود بکشید. ما پیشتان آمده‌ایم تا خودتان ما را بکشید.» به گزارش آژانس‌های دولتی نیجریه، در ۱۵ سال گذشته ده‌ها هزار مورد نشت نفت از بسیاری از منابع در دلتای نیجر، شناسایی شده است. ده‌ها میلیون بشکه از زمان آغاز استخراج در دهه ۱۹۵۰ به این آب‌ها ریخته شده است، طبق تحقیقی در سال ۲۰۱۱، میزان نفت وارده به آب‌های این منطقه، چهار برابر فاجعه خلیج مکزیک در سال ۲۰۱۰ بود.

زنان می‌دانند که شورون آن‌ها را فریب داده است. آن‌ها فقیرند، خانه‌های چوبی با

ولایت هرات در غرب کشور، یکی از این شهرها است که این روزها به کانون تجمع آوارگان جنگی مبدل شده است. عبدالعزیز مالدار، ۲۰ روز می‌شود که با خانواده‌ی ۸ نفری خود به علت جنگ و حمله‌ی طالبان از ولسوالی رباط سنگی به مرکز این شهر آمده است. او با فهرستی از ۵۰ خانواده‌ی آواره به ریاست امور مهاجرین و عودت‌کنندگان هرات مراجعه کرده و خواهان توزیع کمک از جانب دولت است: «هیچ چیزی نداریم که حتی شب خود را بگذرانیم. من نماینده‌ی ۵۰ خانواده هستم و فهرست آن‌ها را تهیه کرده و به ریاست مهاجرین مراجعه کرده‌ام. همه‌ی این خانواده‌ها در وضعیت بد اقتصادی

استحکامی ضعیف دارند و در مقابل، شورون از ثروت این منطقه برای خود مکان‌هایی ساخته که به شهری کوچک شباهت دارد؛ حتی برق در آن تولید می‌شود. اوج تجمل در منطقه‌ای که از داشتن ساده‌ترین امکانات اولیه زندگی مثل آب لوله‌کشی محروم است. زنان فقط از شرکت می‌خواستند که نشت لوله را متوقف کند، تحقیق کند که احتمالاً منجر به جبران خسارت خواهد شد، و چند کیسه حبوبات یا برنج به آن‌ها بدهد تا بتوانند دوباره از راه ماهیگیری امرار معاش کنند.

شب‌ها زنان ماهی‌گیر روی معابر سخت فلزی می‌خوابیدند و طعمه‌ی پشه‌ها بودند. گه‌گاه برای تعویض لباس به خانه می‌رفتند. زندگی

بسیاری از آوارگان هرچند نیازمند کمک‌های فوری هستند، اما از دولت

می‌خواهند که با پس‌گیری مناطق از دست‌رفته و تأمین امنیت، زمینه‌ی برگشت آن‌ها را به مناطق اصلی‌شان فراهم کند. آن‌ها می‌گویند تنها چیزی که از دولت می‌خواهند، تأمین امنیت است.

بهر می‌برند و نان شب خود را ندارند. رتوفه‌ی ۳۰ ساله نیز یکی از آوارگان جنگ در شهر هرات است. او مادر ۵ فرزند است و بر اثر جنگ‌های که در ماه سرطان امسال در قلعه‌ی نو، مرکز ولایت بادغیس اتفاق افتاد، از این ولایت فرار کرده است. او با عریضه‌ای در دست در کمپ انصار هرات، جایی که برای بی‌جاشدگان داخلی و مهاجران ردمرز شده از ایران ایجاد شده، مراجعه کرده و خواهان دریافت کمک بود: «برادرجان برای رییس مهاجرین بگویند که ما هیچ چیزی نداریم. از شوهر خود خبری ندارم و من با سه خانواده دیگر در یک خانه زندگی می‌کنیم. به خدا قسم هیچ چیزی ندارم.»

آوارگان جنگی، نه راهی برای برگشت دارند و نه جایی برای زندگی

میراث شوم غول‌های نفتی در نیجریه؛

زنان ماهی‌گیر، شورون و لوله‌ای که نشتی دارد

متوقف شده بود.

با این همه، نتیجه کارشان چشمگیر نبود. شورون گفت که جریان نفت به لوله‌های خود در منطقه را قطع کرده است. زنان گفتند، این نشت متوقف شد.

پس از حدود ۱۰ روز، مقامات محلی مرد از آن‌ها خواستند که تاسیسات شورون را ترک کنند. آن‌ها گفتند مقامات شورون قول داده‌اند که به محض خروج زنان، تحقیقات را آغاز کنند.

زنان امیدوار شدند و سوار بر قایق‌های‌شان به خانه بازگشتند.

تحقیقات بی‌فراجم

روزها انتظار کشیدند اما کسی نیامد.

روزی چرخ‌بالی بر فراز منطقه به پرواز درآمد. چرخ‌بالی از طرف شرکت بود. هر شب دو مرد در نزدیکی لوله کشیک می‌دادند، مبادا شرکت لوله را مخفیانه تعمیر کند یا به شبهه‌نظامیان کمک کند تا آن را منفجر کرده و به این ترتیب ادعا کند که خرابکاران یا سارقان نفت باعث نشت نفت شده‌اند و از پرداخت خسارت و به عهده گرفتن مسئولیت شانه خالی کند.

کسی نمی‌دانست چرا تحقیقات اینقدر به طول انجامید. اما کم‌کم اخبار ناگواری به گوش رسید. ابتدا همه اعضای یک گروه قومی خاص، ایتسکیری‌ها، از چندین روستا بیرون رانده شدند. سپس،



عکس از: یانگاری امری

گزارش

پیشروی طالبان در هرات؛ خطوط جنگ به شهر نزدیک شد

چرا گذره مهم است؟

گروه طالبان مدعی است که کنترل ولسوالی‌های گذره و کرخ هرات را به دست گرفته است، اما منابع دولتی در این مورد ابراز نظری نکرده‌اند. منابع مردمی به روزنامه اطلاعات روز نیز گفته‌اند که نیروهای دولتی از ساختمان ولسوالی گذره به میدان هوایی رفته‌اند. اما وزارت دفاع نیز اعلام کرده که بخش‌هایی از شهر و جاده میان ولسوالی «انجیل» و «پشتون‌پل» را تصفیه کرده است.

در حالی طالبان بر بیشتر بخش‌های ولسوالی گذره تسلط پیدا کرده‌اند که نخستین گروه نیروهای مقاومت مردمی علیه طالبان، در این ولسوالی شکل گرفت، اما در وقت حمله طالبان، شمار نیروهای مقاومت به کم‌ترین حد بوده است.

گذره یکی از مهم‌ترین ولسوالی‌های هرات است. در این ولسوالی شهرک صنعتی هرات با بیش از ۳۰۰ کارخانه تولیدی، میدان هوایی هرات و فول‌آرودی ۲۰۷ ظفر در غرب کشور موقعیت دارد.

پیش‌تر صنعت‌گران هرات در صحبت به روزنامه اطلاعات روز از افزایش ناامنی‌ها در شهرک صنعتی هشدار داده بودند. به‌خاطر رسیدن جنگ به نزدیکی‌های میدان هوایی هرات، برای دومین روز متوالی پروازها از طریق میدان هوایی هرات صورت نگرفت.

والی برکنار شود

با گماشته‌شدن عبدالصبور قانع، به‌عنوان والی هرات، تمام ولسوالی‌های هرات به استثنای انجیل و گمرک‌های تورغندی و اسلام‌قلعه به‌دست طالبان سقوط کرد.

با رسیدن طالبان به دروازه‌های شهر هرات، برخی از هراتیان کمپینی را مبنی بر برکناری آقای قانع راه‌اندازی کرده‌اند. آنان والی هرات را مسئول درجه‌یک وضعیت آشفته امنیتی می‌دانند.

سید عابد سادات، کاربر فیسبوک نوشته است: «والی بی‌کفایت هرات برکنار شود و در این مورد دادخواهی می‌کنم.»

مسعود مسلم، یکی از فعالان مدنی نوشته است: «وقتی شش هفته قبل، پیش از آمدن عبدالصبور قانع به‌عنوان والی هرات صدا بلند کردم، برخی از افراد من را توهین کردند. هنوزم دیر نیست، این آدم را از هرات بیرون کنید.»

تقابل نیروهای مردمی با طالبان

پس از سقوط پی‌هم ولسوالی‌های هرات به‌دست طالبان، حرکت مقاومت مردمی به رهبری محمد اسماعیل خان، یکی از فرماندهان پیشین جهادی در هرات شکل گرفت.

نیروهای وفادار به محمد اسماعیل خان پس از هجوم طالبان به «پل مالان» به خط نخست جنگ رفته‌اند. این فرمانده پیشین جهادی نیز روز پنج‌شنبه و جمعه بخشی از جنگ با طالبان را در ولسوالی گذره رهبری کرد.

در جریان جنگ با طالبان، دو تن از افراد نزدیک به محمد اسماعیل خان کشته شدند.

عبدالرزاق احمدی، مسئول مطبوعاتی نیروهای مقاومت مردمی به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که نیروهای تحت امر محمد اسماعیل خان در چندین جبهه به‌شمول ولسوالی گذره با طالبان درگیر جنگ شدید هستند. او اما از کمبود تجهیزات جنگی به

نیروهای مقاومت مردمی ابراز نگرانی می‌کند و از حکومت می‌خواهد که در بخش اكمال تجهیزات این نیروها را در جنگ با طالبان همکاری کند. به گفته‌ی او، نیروهای مقاومت مردمی با وجود کمبود امکانات جنگی، برای دفاع از شهر هرات بسیج شده‌اند و این نیروها بیشتر از

دوران مقاومت علیه شوروی پیشین تجهیزات در اختیار دارند. هرات را محاصره شدید گروه طالبان قرار دارد. تنها مرکز ولسوالی انجیل در کنترل حکومت قرار دارد و طالبان ۱۸ ولسوالی هرات را کنترل می‌کنند.

هرچند حمله گسترده طالبان به حومه‌های شهر هرات با شکست مواجه شد، اما خطر تکرار این حملات بسیار زیاد است.

به باور آگاهان نظامی، حمله هرات از آسیب‌پذیری شدید کمریندهای امنیتی نیز به مقیاس کلان پرده برداشت و باید کمریندهای امنیتی شهر مستحکم شود.

واجد روحانی

روز جمعه، ۸ ماه اسد، منطقه‌ی «پشتون‌پل» و «پل مالان» دو نقطه‌ی نزدیک به شهر هرات گواه درگیری سنگین میان نیروهای دولتی و طالبان بود. عکس‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی به نشر رسیده، نشان می‌دهد که شماری از جنگ‌جویان طالبان در مکان موترفروش‌ها در ولسوالی گذره حضور دارند. صدای شلیک گلوله نیز برای چندین ساعت از این منطقه به گوش رسیده است.

از ترس پیشروی طالبان به شهر هرات، نیروهای دولتی برای مدتی مسیر سرک منتهی به میدان هوایی هرات در منطقه «شفاخانه نور» هرات را به روی وسایط نقلیه مسدود کردند.

حملات طالبان به یکی از کمریندهای امنیتی هرات در «پل مالان»، شهر هرات چهارشنبه‌شب، ۶ ماه اسد آغاز شد. طالبان با نشر یک ویدیو مدعی شدند که پاسگاه نیروهای دولتی در این منطقه را سقوط داده‌اند و پس از آن درگیری در گذره شدت گرفت.

هراتیان در سراسیمگی مبنی بر سقوط احتمالی شهر هرات به‌دست طالبان به‌سر می‌برند. تبلیغات وسیع طالبان در شبکه‌های اجتماعی، نگرانی از پیشروی طالبان را بیشتر از هر زمانی کرده بود. شهر هرات از ترس هجوم احتمالی طالبان روز جمعه خلوت‌تر از هر روز دیگر بود و هراتیان در شوک سقوط احتمالی شهر به‌سر می‌بردند.

اما عبدالصبور قانع، والی هرات به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که نیروهای دولتی با همکاری نیروهای مقاومت مردمی طالبان را در ولسوالی گذره سرکوب می‌کنند و عملیات نیروهای دولتی علیه طالبان جریان دارد.

فواد امان، معاون سخن‌گوی وزارت دفاع ملی نیز از دفع حمله طالبان به هرات خبر داد: «حمله طالبان در حومه‌های شهر هرات شکست خورد، نیروهای دفاعی و امنیتی و بسیج مردمی بخش‌های از شهر و جاده‌ی ولسوالی «انجیل» تا «پشتون‌پل» را از وجود طالبان پاک‌سازی کردند. به گفته‌ی او عملیات پاک‌سازی در هرات ادامه دارد.»

از سویی هم، ذبیح‌الله مجاهد، سخن‌گوی گروه طالبان به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که حمله به هرات در تلافی پیشروی نیروهای افغان و افراد محمد اسماعیل خان صورت گرفته است. او هشدار می‌دهد که در صورت پیشروی نیروهای دولتی، حملات دیگر به شهر هرات هم به‌دور از امکان نیست.

عارف جلالی، سرطبیب شفاخانه هرات به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که در جریان درگیری روز جمعه با طالبان پنج‌تن کشته و ۲۱ تن دیگر زخمی شده‌اند. او می‌افزاید که در جریان جنگ بالای دفتر یوناما در هرات، یک نگهبان کشته و یک تن دیگر زخمی شده است.

بر اساس روایت مردمی، چندین راکت بر دفتر یوناما در هرات نیز پرتاب شده است و مدتی بالای این دفتر درگیری جریان داشته است.

ترجمه

کنترل ۱۵۰ ولسوالی از ۳۸۸ ولسوالی را در دست دارد اما دولت افغانستان کنترل ۸۰ ولسوالی را تایید کرده بود.

بسیاری از آوارگان هرچند نیازمند کمک‌های فوری هستند، اما از دولت می‌خواهند که با پس‌گیری مناطق از دست‌رفته و تأمین امنیت، زمینه‌ی برگشت آن‌ها را به مناطق اصلی‌شان فراهم کند. آن‌ها می‌گویند تنها چیزی که از دولت می‌خواهند، تأمین امنیت است. عادل ۱۷ ساله (اسم مستعار) که از شهرک نواباد غزنی با هفت خواهر و مادرش به کابل فرار کرده‌اند، می‌گوید بر اثر درگیری شدید میان نیروهای دولتی و گروه طالبان، مجبور شدند که خانه‌شان را ترک کنند. این خانواده اکنون در دکان‌های خالی در حومه‌ی دشت برچی کابل شب و روزشان را می‌گذرانند و منتظر عادی‌شدن وضعیت در شهر غزنی هستند. او با اقارب و هم‌صنفی‌هایش در غزنی هرازچندگاهی تماس می‌گیرد و جویای شرایط و وضعیت شهر غزنی است. می‌گوید که کنترل شهرک نواباد در حومه‌ی شهر غزنی در کنترل طالبان است و زنان حق بیرون‌شدن از خانه ندارند.

«تنها چیزی که ما از دولت می‌خواهیم این است که نواباد را از طالبان پس بگیرد. ما می‌خواهیم به خانه‌ی خود برویم. این‌جا در کابل شب و روز منتظر هستیم که وضعیت در غزنی عادی شود و ما بتوانیم برگردیم. تاکنون دولت کمکی به ما نکرده است و بزرگترین کمکی که می‌تواند این است که امنیت را تأمین کند. من صنف ۱۱ هستم و نگران آینده‌ی خود و درس دیگر خواهرانم هستم. اگر این وضعیت ادامه یابد ما بدون سرنوشت می‌شویم.»

غلام‌رضا که برادرانش رمضان ۳۱ ساله و اسحاق علی ۲۹ را طالبان کشته، می‌گوید داروندارشان در قریه‌شان مانده و خواهان برگشت به آن‌جا هستند: «تمام دارایی و زندگی ما در آن‌جا است و هیچ چیزی در کابل نداریم. ما می‌خواهیم دوباره به منطقه‌مان برگردیم.»

می‌شوند و غنمیت‌ها را می‌برند.» شورون و شورون نیجریه لیمیتد، شعبه محلی شرکت، از مصاحبه خودداری کردند. اما سخنگوی شورون در بیانیه‌ای گفت که به دلیل این «اختلافات» در جامعه هیچ بازدید مشترک تحقیقاتی انجام نشده است. او افزود، نظارت هوایی که انجام شده نشان می‌دهد هیچ گونه نشتی از تجهیزات آنان صورت نگرفته است. در این بیانیه آمده: «تاکنون هیچ نشانه‌ای مبنی بر اینکه نفت از تجهیزات شرکت شورون نیجریه لیمیتد نشت کرده، مشاهده نشده است.»

زنان اواسط ماه اپریل به اعتراض خود خاتمه داده و شرکت را ترک کرده بودند. بازگشت آن‌ها رقت‌انگیز بود. حالا صحبت از شروع دوباره‌ی اعتراض است.

ایدوکه‌دوممه کوکو، تور خود را تا نیمه از آب بیرون می‌کشد و می‌گوید: «قبلا تا این‌جا ماهی پر می‌شد... حالا به این نفت سیاه نگاه کنید.»

دبورا امیکو نگاهی نومیدانه به سبد خود می‌اندازد که محتویات آن شاید حدود ۵۰ سنت ارزش داشته باشد و می‌گوید: «این حتما برای یک وعده غذا هم کافی نیست.» خانم جوزف به نفت روی چین‌وچروک دستانش نگاه می‌کند. او به کیسه‌هایی که زمانی پر از خرچنگ بود و برای فرزندانش می‌برد نگاه می‌کند. حالا ماه‌هاست که خالی مانده‌اند. جبران خسارت دور از انتظار به نظر می‌رسد.

برخی از زنان ماهی‌های یخ‌زده‌ای که از روسیه و امریکا به آن‌جا آمده را می‌خرند، اما او توانایی پرداخت این هزینه را ندارد. نفت یا بدون نفت، او باید برای ماهیگیری برود.

او می‌گوید: «من گرسنه‌ام، می‌خواهم تلاش کنم.»

پارو و کلاه پشمی خود را که لبه‌اش کمی خمیده را برمی‌دارد و به دل رودخانه می‌رود.

مبین قادری، رییس اداره‌ی امور مهاجرین و عودت‌کنندگان در ولایت هرات می‌گوید که در جریان یک ماه اخیر بیش از ۲ هزار خانواده از ولسوالی‌های هرات و ولایت‌های حوزه‌ی غرب به مرکز شهر هرات آواره شده‌اند. او می‌افزاید که منابع دولتی برای کمک و امدادسانی به بی‌جاشدگان محدود است و آن‌ها تعداد کمی از آوارگان را می‌توانند شامل کمک‌های موسسه‌های امدادسانی خارجی کنند.

وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان افغانستان می‌گوید که این وزارت یک اداره‌ی هماهنگ‌کننده است و بودجه‌ای برای کمک به آوارگان جنگ در اختیار ندارد و عمدتاً در روند امدادسانی که از سوی موسسه‌ها انجام می‌شود، کمک می‌کند.

در ماه‌های اخیر که نیروهای خارجی از افغانستان خارج شده‌اند، جنگ و خشونت‌ها در این کشور افزایش یافته و گروه طالبان پیشروی‌های چشم‌گیری در مناطق تحت کنترل دولت داشته است. در پی افزایش این جنگ و درگیری‌ها هزاران خانواده آواره شده و نیازمند کمک‌های فوری‌اند.

تعداد آوارگان داخلی جنگ براساس گزارش سازمان ملل که اخیراً منتشر شده، در سال ۲۰۲۱ به دوهزار خانواده می‌رسد. این سازمان قبلاً اعلام کرده بود که افزایش خشونت‌ها و خشک‌سالی در افغانستان باعث شده وضعیت در این کشور به سمت «فاجعه‌ی انسانی» پیش برود. بنا بر اعلام این سازمان حدود ۱۸ میلیون نفر در افغانستان نیازمند کمک انسانی هستند.

در ماه‌های اخیر که درگیری‌ها شدت گرفته، کنترل برخی از ولسوالی‌ها میان دولت و گروه طالبان دست‌به‌دست شده است. دولت بارها اعلام کرده که به‌زودی عملیات بازپس‌گیری ولسوالی‌های از دست‌رفته را آغاز می‌کند اما تاکنون کنترل بخش قابل توجهی از ولسوالی‌های سقوط‌کرده به دست طالبان است. این گروه در ماه سرطان ادعا کرده بود که

گزارش‌هایی مبنی بر حمله به یک روستای ایتسکیری و کشته شدن یک نفر منتشر شد. روستاییان گفتند که مهاجمان مردانی از گروه قومی خانم جوزف، ایجاوها بودند.

مدت‌ها بود که بین ایتسکیری‌ها و ایجاوها درگیری وجود داشت که البته برخی از این اختلافات ناشی از تاکتیک‌های تقسیم و حکومت استعمارگران انگلیسی است. اما اکنون به‌نظر می‌رسد که آن‌ها به‌سوی جنگ همه‌جانبه پیش می‌روند و عامل اصلی آن «بازدید مشترک» برای تحقیق در مورد نشت نفت بود. هرچند شرکت‌های نفتی در این میان نقش مهم داشت، اما اولین قدم تعیین خسارت به صورت مشترک بود.

قرار بود تحقیقات مشترک توسط شرکت، مقامات ایالت و نمایندگان جوامع انجام شود، اما سؤال این بود که کدام جامعه؟ ایتسکیری‌ها می‌خواستند بخشی از تحقیقات باشند. ایجاوها فکر می‌کردند ایتسکیری‌ها سعی دارند از تحقیقات به نفع ادعای سرزمین استفاده کنند. آن‌ها نگذاشتند که ایتسکیری‌ها شرکت کنند.

در بزرگ‌ترین جشنواره سالانه در گباراماتو، یک رهبر جوانان ایجاو، گادسویل دوبرا، با اشاره به ایتسکیری‌ها گفت: «اگر ما بخواهیم بکشیم، می‌توانیم ده‌ها نفر را بکشیم.»

دو روز بعد، گابریل یومره، رهبر ایتسکیری‌ها، به ایجاوها هشدار داد: «ما نمی‌خواهیم بنشینیم و تماشا کنیم و اجازه دهیم آن‌ها مردم ما را ذبح کنند.»

درگیری مانع تحقیقات مشترک و در نتیجه مانع جبران خسارت احتمالی شد. هر دو طرف به این نتیجه رسیدند که دیگران به دنبال سودجویی از این اختلافات هستند.

گادزپاور گبتکاما، سخن‌گوی پادشاهی گباراماتو می‌پرسد: «چه کسی سود می‌برد اگر ایجاوها و ایتسکیری‌ها دچار بحران شوند و یکدیگر را بکشند؟ شورون، وقتی خودمان را نابود کردیم، آن‌ها وارد



بوتان، کشوری که بیشتر جمعیتش را در یک هفته واکسن زد

دور دوم کارزار واکسیناسیون در بوتان ۲۰ جولای آغاز شد.

یونیسیف دستاورد کشور بوتان در واکسیناسیون را الگویی برای کشورهای دیگر نامیده است و از همه کشورهای جهان درخواست کرده است تا واکسن‌های مازاد خود را به کشورهای نیاز دارند اهدا کنند.

ویل پارکس، نماینده یونیسیف در بوتان می‌گوید این درسی است که همه ما باید از این اقدام بیاموزیم. «امیدوارم تمام دنیا یاد بگیرد که واکسیناسیون کل کشور کار محالی نیست، هم‌چنان که کشوری مانند بوتان، با تعداد کمی پزشک و پرستار اما با داشتن پادشاهی متعهد و مسئول و هدایت و رهبری دولتی که کل جامعه را بسیج کرد، موفق به این کار شد.»

بوتان در واکسیناسیون از روش ترکیب دو واکسن استفاده کرد. تقریباً همه مردم این کشور برای دوز اول واکسن استرازنیکا و برای دوز دوم واکسن مدرنا دریافت کردند.



اهدای واکسن

پس از موج دوم واکسیناسیون کرونا در هند، این کشور تمام صادرات واکسن خود را به کشورهای دیگر به حالت تعلیق درآورد.

بوتان ناچار شد راه‌های دیگری برای دریافت واکسن مورد نیاز خود بیابد. واکسن‌های مازاد کشورهای ثروتمند جهان به داد این کشور رسید.

دکتر ونگچوک می‌گوید: «ما ۵۰۰،۰۰۰ دوز واکسن مدرنا از ایالات متحده و بیش از ۲۵۰،۰۰۰ دوز واکسن استرازنیکا هم از کشورهای اروپایی دریافت کردیم.»

به روستاها ناچار به ساعت‌ها کوه‌پیمایی شدند. دکتر ونگچوک می‌گوید ۱۲۲۰ پایگاه واکسیناسیون برپا کردند که کل کشور را زیر پوشش قرار داد و ۳۵۰۰ نفر از اعضای تیم واکسیناسیون در این مراکز مستقر شدند.

این کشور محصور در خشکی، اواخر ماه مارچ ۵۵۰،۰۰۰ دوز واکسن از هند دریافت کرد و با آمادگی زیرساخت‌ها و ساماندهی توانست تقریباً کل جمعیت بزرگسالان واجد شرایط این کشور در طول هفته‌ی اول ماه اپریل واکسینه کند.

اطلاعات روز: بوتان کشوری است در ارتفاعات هیمالیا، جایی بین هند و چین که توانسته است تقریباً به همه بزرگسالان واجد شرایط خود واکسن کووید ۱۹ تزریق کند.

به گزارش بی بی سی فارسی، یونیسیف از این اقدام به عنوان «موفقیتی چشمگیر» نام برده است.

وزارت بهداشت بوتان گفته است ۹۰ درصد بزرگسالان این کشور که جمعیت آن نزدیک به ۸۰۰ هزار نفر است در مدت هفت روز واکسینه شدند.

چطور توانستند با این سرعت و کارایی چنین کاری را در کشوری که بالای کوه‌ها قرار دارد انجام دهند؟

مسیرهای سخت‌گذر

دکتر سونام ونگچوک از اعضای تیم ضربت واکسیناسیون در بوتان می‌گوید: «دسترسی به مناطق جغرافیایی سخت‌گذر دشوار بود اما به دلیل برنامه‌ریزی‌های مناسب توانستیم دوز اول و دوز دوم را در فاصله‌ی یک هفته با موفقیت تزریق کنیم.»

ونگچوک در گفتگو با بی‌بی‌سی گفت: «دوز اول واکسن را به میزان ۹۹ درصد و دوز دوم را به میزان ۹۲ درصد با موفقیت میان افراد بزرگسال واجد شرایط توزیع کردیم.»

جمعیت بزرگسال بوتان حدود ۵۳۰،۰۰۰ نفر است. بسیاری از آنها در مناطق کوهستانی دور از دسترس و فاقد راه مناسب برای عبور و مرور زندگی می‌کنند. در بعضی مناطق اعضای تیم واکسیناسیون برای دسترسی

نبرد قدرت در تونس: برکناری‌ها و انتصاب‌ها ادامه دارد

وزیر دفاع و حسنا بن سلیمان، وزیر دادگستری را از سمت‌های خود برکنار کرد. سخن‌گوی دولت و وزیر خدمات عمومی نیز برکنار شدند.

سعید ماهاسست که با حزب محافظه کار اسلامی «النهضة» بر سر قدرت مبارزه می‌کند. این حزب نیز به اتهام بودجه غیرقانونی مورد تحقیق قرار می‌گیرد.

قیس سعید یکشنبه ۳ اسد / ۲۵ جولای قدرت و اختیار اجرایی را به دست گرفت و فعالیت پارلمان تونس را به مدت ۳۰ روز به حالت تعلیق درآورد. عصر

روز یکشنبه، پس از سخنرانی سعید، تونس‌ها که از جنگ قدرت و وخیم شدن اوضاع اجتماعی و بهداشتی بسیار ناراضی‌اند، با وجود مقررات منع رفت و آمد، با

آتش‌بازی و بوق زدن با خودروهای خود در تونس، پایتخت این کشور و چندین شهر دیگر، به خیابان‌ها آمدند.

منتقدان اقدامات قیس سعید را «کودتا» می‌نامند.

کرد.

رئیس‌جمهوری تونس پیش از این گفته بود افراد پرنفوذ و فعال در پشت پرده سیاست، تونس را به بی‌ثباتی کشانده‌اند. او همچنین از طرف‌های داخلی خواسته بود تا برای پیشبرد اصلاحات به قانون پایبند باشند.

در حال حاضر ۲۴ مقام ارشد دولتی برکنار شده‌اند. همزمان قیس سعید سیاست مقابله با فساد را پیش می‌برد که ۴۶۰ تاجر را نشانده گرفته است.

رئیس‌جمهوری تونس همچنین روز پنجشنبه رضا غرسلای، مشاور امنیت ملی سابق ریاست جمهوری را به‌عنوان سرپرست وزارت کشور منصوب کرد.

در این هفته دو خبرنگار نیویورک تایمز در تونس به‌طور موقت بازداشت شدند و به دفتر شبکه تلویزیونی بین‌المللی الجزیره در پایتخت حمله شد.

روز دوشنبه، قیس سعید همچنین ابراهیم البرتاجی،

اطلاعات روز: قیس سعید، رئیس‌جمهوری تونس به جنگ قدرت در این کشور ادامه می‌دهد. او پنجشنبه شب ۷ اسد / ۲۹ جولای طی حکمی مصونیت اعضای پارلمان را لغو کرد و در همان روز محمد الدهاش، مدیرکل تلویزیون دولتی وطنیه را از کار برکنار کرد.

به گزارش رادیو زمانه، دفتر ریاست جمهوری تونس در بیانیه‌ای دلیل برکناری الدهاش را «پشتیبانی از آزادی بیان در این کشور» دانست.

پیش از این تصمیم، از ورود شماری از مسئولان اتحادیه روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق بشری به اداره این شبکه تلویزیونی با وجود دعوت رسمی از آن‌ها، جلوگیری شده بود و آن‌ها نسبت به این اقدام اعتراض کرده بودند.

قیس سعید، عواطف الدالی، روزنامه‌نگار و تهیه‌کننده برنامه‌های تلویزیونی و متخصص در روابط اقتصادی بین‌المللی را به‌عنوان مدیر موقت این شبکه منصوب



ارتش بریتانیا وقوع حمله به یک کشتی تجاری اسرائیلی در نزدیکی سواحل عمان را تایید کرد



خبر داد اما پس از آن رسانه‌ها گزارش دادند که ایال اوفر، مالک اسرائیلی این کشتی، چند ماه پیش آن را فروخته بود. نیویورک تایمز به نقل از یک مقام امنیتی اسرائیلی گزارش داد که مسئول حمله به این کشتی احتمالاً جمهوری اسلامی بوده است.

پیشتر، در ماه حمل امسال، نیز شرکت کشتیرانی «یکس تی منیجمنت» مستقر در بندر حیفا در دریای عرب مورد حمله قرار گرفت.

اندکی پیش از آن، هشتم حوت ۹۹، نیز کشتی اسرائیلی «اموی هلیوس ری» در انفجاری از چهار نقطه آسیب دید و بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، جمهوری اسلامی را عامل این حمله معرفی کرد.

نشریه وال استریت ژورنال در آن زمان گزارش داد که از اواخر ۲۰۱۹ تا مارس ۲۰۲۱ میلادی، اسرائیل دست‌کم ۱۲ کشتی حامل نفت ایران به مقصد سوریه را هدف قرار داده بود.

راهزنی بوده است.

به گزارش آسوشیتدپرس، دفتر مدیریت دریانوردی زودیباک در لندن که وابسته به این میلیاردر اسرائیلی است در اطلاعیه‌ای گفت که این «فتکش» با پرچم لیبریا تردد می‌کند و مالک آن جاپانی است.

مقامات عمان و نیز ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا که در این منطقه گشت‌زنی می‌کنند هنوز درباره حمله شامگاه پنجشنبه اظهار نظری نکرده‌اند.

این سومین حمله به کشتی‌های مرتبط با اسرائیل در آب‌های منطقه در ماه‌های اخیر به شمار می‌رود؛ ماه گذشته یک کشتی باربری که مالک پیشین آن نیز ایال اوفر بود در نزدیکی همین منطقه مورد حمله قرار گرفت. پیش از آن نیز انفجاری در یک کشتی دیگر اسرائیلی در دریای عمان روی داد.

۱۲ ماه سرطان شبکه المیادین، وابسته به حزب‌الله لبنان، از حمله به کشتی اسرائیلی «تین‌دال» در اقیانوس هند

اطلاعات روز: ارتش بریتانیا وقوع حمله به یک کشتی تجاری اسرائیلی در نزدیکی سواحل عمان را تایید کرد و گفت در حال تحقیق درباره این حمله است؛ همزمان شرکت متعلق به یک میلیاردر اسرائیلی گفت مالک این کشتی یک جاپانی است.

به گزارش ایران اینترنشنال، واحد عملیات تجاری نیروی دریایی بریتانیا روز جمعه هشتم اسد در اطلاعیه‌ای کوتاه اعلام کرد که از وقوع این حمله مطلع است و تحقیق درباره آن را آغاز کرده است.

به نوشته این اطلاعیه، حمله به کشتی تجاری با مالکیت اسرائیلی شامگاه پنجشنبه در نزدیکی جزیره مصیره، در سواحل شمال شرقی عمان و در دریای عرب، روی داد و تردید وجود دارد که این حمله راهزنی بوده باشد.

با این حال ساعاتی بعد شرکت متعلق به ایال اوفر، میلیاردر اسرائیلی، اعلام کرد که این کشتی تحت مدیریت این شرکت است اما مالک آن یک جاپانی است و این حمله نیز

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

zaki.daryabi2@gmail.com

۰۷۸۵۴۲۸۵۴۰

سردبیر چاپی: خادم‌حسین کریمی

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس، واجد روحانی و فریضه عالمی

بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهریار

صفحه آرا: محمدرضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته‌سه

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ - ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۱۸۷

عباس عارفی

از زمان شروع مذاکرات بین‌افغانی صلح در دوحه، گروه طالبان هیچ طرح مکتوب و مشخص برای پیشبرد مذاکرات و آینده سیاسی افغانستان ارائه نکرده‌اند. بلکه همواره در واکنش به طرح و برنامه‌های مکتوب حکومت افغانستان و جامعه‌ی جهانی پیرامون صلح افغانستان مخالفت کرده و به‌طور شفاهی بر خواسته‌های مشخص‌شان تأکید کرده‌اند. چنان‌که در آخرین مورد سهیل شاهین، یکی از اعضای هیأت مذاکره‌کننده طالبان در گفت‌وگو با رسانه‌ها گفته است که حکومت رییس‌جمهور غنی به دنبال تسلیمی طالبان است. بنابراین «تا زمانی‌که اشرف غنی از قدرت کنار نرود و دولت جدید تشکیل نشود، صلح در افغانستان برقرار نخواهد شد.» قبل از این نیز برخی از نمایندگان گروه طالبان گفته بودند که رییس‌جمهور غنی مانع اصلی پروسه صلح است و در صورت کنار رفتن او از قدرت، پروسه صلح افغانستان موفق خواهد شد.

چنین اظهار نظرهای از سوی نمایندگان گروه طالبان در حالی صورت می‌گیرد که این گروه در شرایط فعلی بیشتر از مذاکرات صلح، به‌شدت به جنگ تمرکز کرده‌اند. در تازه‌ترین نشست که میان نمایندگان گروه طالبان و رهبری شورای عالی مصالحه ملی افغانستان در دوحه برگزار شد، امید می‌رفت دو طرف روی برخی از موضوعات مهم و اساسی به توافق برسند و روند مذاکرات بین‌افغانی صلح از بن‌بست فعلی خارج شود. اما نه تنها دو طرف روی هیچ از یک موضوعات اساسی به توافق نرسیدند و گره از بن‌بست مذاکرات باز نشد، بلکه طالبان یک‌بار دیگر بر خواسته‌های خود یعنی آزادی ۷ هزار زندانی و خروج نام‌رہبران‌شان از لیست سیاه سازمان ملل متحد پافشاری کردند. با این حال پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا به راستی رییس‌جمهور غنی مانع اصلی رسیدن به توافق صلح است یا طالبان به دنبال بهانه هستند؟ و این‌که در صورت کنار رفتن رییس‌جمهور غنی از قدرت، سناریوی بعدی چه خواهد بود؟

آیا رییس‌جمهور غنی مانع اصلی صلح است؟

علی‌عادل، پژوهشگر در شبکه تحلیگران افغانستان در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید که یک فهم مشترک میان بسیاری از نیروهای سیاسی داخل نظام

کنار رفتن غنی مانع صلح است یا بهانه‌ای برای طالبان؟



هم داشته‌ایم. برخلاف پروسه بن، اکنون یک ضمانت اجرایی قوی هم وجود ندارد که دوام ساختار حکومت موقت را تضمین کند و به موفقیت برساند. در آن صورت تنها گزینه‌ی ممکن یا سناریوی نزدیک به واقع، غلبه یکی از طرف‌ها است و یا هم ورود گروه سوم و حذف دو طرف مخالف. به‌نظر می‌رسد امریکایی‌ها نیز منتظر چنین رویداد هستند.»

علی‌عادل می‌گوید گروه طالبان هنوز دیدگاه واضح خود را راجع به نوع و مدت حکومت عبوری و نظام سیاسی آینده برای افغانستان بیان نکرده‌اند. چرا که این گروه بیشتر به پیروزی از طریق جنگ می‌اندیشند. آن‌ها به این فکر هستند که در صورت کنار رفتن اشرف غنی از قدرت، به پیروزی از طریق زور و نظامی یک گام نزدیک‌تر می‌شوند. «با توجه به این‌که تصرف گسترده ولسوالی‌ها توسط گروه طالبان که با تسلیم یا کشته شدن تعداد زیاد نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان همراه بوده است. طالبان ضربه بزرگی به نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان زده‌اند. به همین دلیل احتمال این‌که به تلاش خود برای تصرف کامل از طریق نظامی ادامه بدهند وجود دارد.»

با توجه به حساسیت شرایط سیاسی و بحران امنیتی فعلی، در صورت کنار رفتن رییس‌جمهور غنی از قدرت قبل از این‌که طرف‌های منازعه به توافق صلح یابند، پیامدهای خطرناک خواهد داشت. قبل از این‌که طرف‌ها روی شرایط برقراری آتش‌بس توافق نکنند، با همدیگر روی نوعیت نظام سیاسی آینده و ساختار توزیع قدرت کنار نیابند، ایجاد هر نوع خلا قدرت به نفع هیچ یک از طرف‌های درگیر نیست. شاید یکی از پیامدهای کنار رفتن رییس‌جمهور غنی فروپاشی ساختارهای نظامی و امنیتی باشد. چرا که در صورت شخص رییس‌جمهور به‌عنوان عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در عرصه‌ی سیاسی و امنیتی از قدرت کنار برود، بحران تصمیم‌گیری در ساختارهای امنیتی و نظامی به‌وجود می‌آید که در نهاد دولت در افغانستان با خلأ رهبری مواجه می‌شود. در آن صورت هیچ کنش سیاسی و نظامی دارای مشروعیت قانونی و سیاسی نخواهد بود. برعلاوه این‌که دولت در شرایط فقدان رهبری و مرجع تصمیم‌گیرنده دچار وضعیت انارش می‌شود که در نتیجه تمامی قواعد بازی تغییر می‌کند، جنگ جاری در افغانستان ابعاد پیچیده‌تری به خود خواهد گرفت و شدیدتر خواهد شد.

شجاع‌حسین محسنی، تحلیلگر مسایل سیاسی در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید رییس‌جمهور غنی قطعاً نماینده یک فکر سیاسی است. شخصیت آقای غنی نیز حاکی از این است که نمی‌خواهد قدرت را زودتر از زمان موعودش ترک کند. اما به این معنا نیست که تمامی موانع ختم بحران و جنگ جاری در افغانستان به وجود آقای غنی خلاصه شود. «منطقی نیست که بگوییم بحران افغانستان با این‌همه عمر و بزرگی، با کنار رفتن همین یک نفر ختم می‌شود، یا حتا اگر او بخواهد می‌تواند مانع صلح شود. بنابراین طالبان بیشتر به دنبال بهانه و خرید زمان برای ادامه جنگ هستند.»

در صورت کنار رفتن غنی سناریوی بعدی چیست؟

شجاع‌حسین محسنی می‌گوید فرض کنیم رییس‌جمهور غنی از قدرت کنار رفت و حکومت موقت مورد ادعای گروه طالبان به‌وجود آمد. آن وقت در یک چنین حکومت مشترک، این دو فکر متضاد امارت و جمهوریت قابل جمع نیست. بنابراین منازعه و تنش از سر گرفته می‌شود. «ما تجربه چنین وضعیت و ساختارهای را در دهه هفتاد

وجود دارد؛ این‌که برای رسیدن به یک توافق صلح با گروه طالبان، تشکیل حکومت عبوری اجتناب‌ناپذیر است. اما رییس‌جمهور غنی با چنین طرحی به‌شدت مخالف بوده و در مقابل انتخابات زود هنگام را برای انتقال قدرت به یک جانشین منتخب مطرح کرده است: «غنی به‌راحتی حاضر نیست دوره‌ی خود را ناتمام بگذارد و از این حیث مانعی بر سر راه رسیدن به یک توافق بر سر آتش‌بس جامع در برابر تشکیل یک حکومت انتقالی یا عبوری به‌شمار می‌رود.»

آقای عادل می‌گوید از طرف دیگر، گروه طالبان بیشتر در تلاش فروپاشی نظام سیاسی فعلی هستند و کنار رفتن رییس‌جمهور غنی از قدرت آن‌ها را به دستیابی به این هدف کمک خواهد کرد. «این امر باعث شده که نیروهای سیاسی دیگر نیز در استقبال از طرح تشکیل حکومت عبوری محتاط باشند و آن‌ها قبل از آن خواهان توافق بر سر یک فرمول جامع برای یک راه‌حل سیاسی هستند.»

هیله نجیب‌الله، نویسنده و پژوهشگر در گفت‌وگو با اطلاعات روز بر این باور است که مسأله اصلی این نیست که گروه طالبان چه می‌گویند و چه می‌خواهند، بلکه مسأله اصلی کنترل افغانستان

است، یعنی جنگ بر سر کنترل منابع استراتژیک و ژئوپلیتیک است. «محوریتی میان پاکستان و چین شکل گرفته است. روسیه با چین در قبال افغانستان متحد شده‌اند. ایالات متحده آمریکا، انگلیس، و ناتو در جانب دگر این قضیه قرار دارند. بنابراین مسأله اصلی این است که کدام گروه یا کدام کشور منابع افغانستان را می‌تواند کنترل و مدیریت کنند. البته افغانستان و پاکستان لابی کرده‌اند که چنین کاری را می‌توانند. در این میان اشرف غنی در میان دیوهای مست تنها مانده است.»

 دکره‌نی، اوبولگولواومالداری وزارت وزارت زراعت، آبیاری و مالداري	معینیت مالی واداری ریاست تهیه و تدارکات آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی	دافغانستان اسلامی جمهوریت جمهوری اسلامی افغانستان	
«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»			
<p>بدینوسیله به تاسی از ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده میشود که وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در نظر دارد تا پروژه (تدارک ۱۶ قلم قرطاسیه باب مورد ضرورت سال مالی ۱۴۰۰) تحت شماره تشخیصیه (MAIL/PD/NCB/G48/1400) را به شرکت محترم تجارتي ولوژستیکي ابداع فروغ لمیتد دارنده جواز نمبر (۱۷۳۳۷-۰۱۰۱) به قیمت مجموعی مبلغ (۱,۱۴۸,۳۱۵) یک میلیون و یکصد و چهار و هشت هزار و سه صد و پانزده افغانی اعطا نماید.</p> <p>اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، میتوانند اعتراض خویش را از تاریخ نشراین اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري واقع کارته سخی، جمال مینه، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند.</p> <p>این اطلاعیه به معنی عقد قرار داد نبوده والی تکمیل معیاد فوق الذکر وطی مراحل قانونی بعدی، قرار داد منعقد نخواهد شد.</p>			

 دکره‌نی، اوبولگولواومالداری وزارت وزارت زراعت، آبیاری و مالداري	معینیت مالی واداری ریاست تهیه و تدارکات آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی	دافغانستان اسلامی جمهوریت جمهوری اسلامی افغانستان	
«دعوت به داوطلبی روش باز ملی»			
<p>ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می نماید تا در پروسه داوطلبی مجدد پروژه (تدارک اجناس، ترمیم ساحه نمایشگاه و کرایه محل نصب بلبورد برای برگزاری نمایشگاه محصولات زراعتی خزان ۱۴۰۰ تحت داوطلبی شماره MAIL/PD/NCB/NCS-86/1400Rebid) اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه طبق قانون و طرزالعمل تدارکات عامه الی ساعت (۱۰:۰۰) قبل از ظهر روز (یکشنبه) مورخ (۳۱/۱۴۰۰/اسد) ارایه نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و انترنیتی قابل پذیرش نمی باشد. تضمین آفر مبلغ (۸۵,۰۰۰) افغانی طبق شرطنامه، و شرایط اهلیت (طبق ماده ۱۷ قانون تدارکات عامه) میباشد.</p> <p>آدرس مکان جلسه: دفتر جلسات آفرگشایی، منزل دوم تعمیر حفظ و مراقبت عقب ریاست منابع بشری، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري</p> <p>داوطلبان میتوانند اسناد مکمل داوطلبی را از وب سایت NPA.GOV.AF داوطلبان می توانند شرطنامه را در سی دی یا فلش دیسک از آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی ریاست تهیه و تدارکات واقع تعمیر معینیت مالی واداری، منزل اول به شکل رایگان بدست آورند.</p> <p>نوت: جلسه قبل از داوطلبی ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر روز شنبه مورخ ۲۳/۱۴۰۰/اسد در آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی ریاست تهیه و تدارکات واقع منزل اول تعمیر معینیت مالی واداری، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري دایر می گردد.</p>			



شیرمحمد و محمود خان، پسران قدا محمد افغان

قطعا این ادعا حقیقت ندارد. بدبختانه یک تعداد کسانی که می‌خواهند مسایل قومی را دامن بزنند، تلاش دارند جنگ قندهار را نیز قومی بسازند. البته در جنگ حلوا پخش نمی‌شود. در عین‌زمان من تأیید نمی‌کنم که طالبان مشخصا از قوم نورزی و اسحاق‌زی بوده‌اند. به جرأت می‌گویم که اکثریت پنجابی‌های پاکستانی بودند. جمال ناصر بارکزی، سخن‌گوی پولیس قندهار در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید که هیچ یک از ارقام ذکر شده را رد یا تأیید نمی‌کند، چرا که ساحه در کنترل گروه طالبان است و پولیس قندهار آمار دقیق از تعداد کشته‌شدگان و ناپدیدشدگان ندارند. آقای بارکزی نیز می‌گوید «براساس گفته‌های مردم محل، گروه طالبان در سپین بولدک غیرنظامیان را تیرباران کرده‌اند. اما معلومات دقیق وجود ندارد که طالبان به چه تعداد و کدام اشخاص را از کدام قوم کشته‌اند یا با خود برده‌اند. پولیس قندهار تحقیق می‌کند تا مشخص شود که قضیه از چه قرار است.» اگرچند اکثر منابع از کشته‌شدن تعداد زیاد افراد ملکی متعلق به یک قوم خاص از سوی طالبان در سپین بولدک سخن می‌گویند که با انگیزه قومی و قبیله‌ای کشته شده‌اند، اما هیچ یک از منابع به استثنای پسران فدامحمد افغان، از افراد کشته‌شده نام نمی‌برند و به نوعی می‌گویند که از منبع دیگری شنیده‌اند که چنین رویدادی در منطقه‌شان اتفاق افتاده و مردم از ترس طالبان درباره قربانیان صحبت نمی‌توانند. با این‌همه گروه طالبان با نشر اعلامیه‌ای مدعی شده‌اند که به غیر از کشته‌شدن دو تن در سپین بولدک که آن‌ها مشکل شخصی داشتند، هیچ کسی از سوی جنگ‌جویان این گروه کشته نشده است. طالبان می‌گویند حاضر هستند تا به رسانه‌ها و نهادهای حقوق بشری ثابت کنند که هیچ کسی از سوی این گروه در سپین بولدک با انگیزه‌ی قومی کشته نشده است.

حاجی ولی جان، باشنده سپین بولدک در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید گروه طالبان مردم را تهدید کرده‌اند که اگر با رسانه‌ها یا نهادهای حقوق بشری در مورد کشته‌شدن اعضای خانواده‌ی شان حرف بزنند تمام خانواده‌شان را یک‌جا می‌کشند. ولی جان می‌گوید «من تازه از فاتحه یکی از آشنایانم برگشته‌ام که توسط طالبان تیرباران شده بود. من نمی‌توانم نام ببرم، چرا که ممکن است طالبان به خانواده‌اش آسیب بزنند.» در همین حال از او نام برده شود، می‌گوید «طالبان شب‌ها جلو دروازه افراد مشخص می‌روند و مردان‌شان را از خانه بیرون می‌کنند و با خود می‌برند که اکثریت آن‌ها تاکنون به خانه برنگشته‌اند. به احتمال زیاد طالبان آن‌ها را در گورهای دسته‌جمعی زنده به گور می‌کنند.»

ملالی اسحاق‌زی، نماینده قندهار در پارلمان در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید سپین بولدک یکی از ولسوالی‌های مهم و استراتژیک ولایت قندهار به‌شمار می‌رود. بعداز این‌که طالبان وارد سپین بولدک شدند، کشتار فردی و جمعی به راه انداختند که در آن هیچ شکی نیست. «معلوم است که مشکلات قومی نیز در بین بوده و فعلا عقده‌ای حرکت کرده‌اند. اما تا حالا معلوم نیست که از طرف کدام قوم مشخص چنین کار شده. به هر حال شرایط جنگ است و تا وقتی ولسوالی از طالبان پس گرفته نشود این مسأله واضح نمی‌شود.»

خانم اسحاق‌زی می‌گوید کشته‌شدگان همه از یک قوم خاص (اچکزی) نیستند، بلکه از قوم بارکزی و نورزی نیز در میان کشته‌شدگان هستند. در سپین بولدک اقوام نورزی، اسحاق‌زی، اچکزی و بارکزی زندگی می‌کنند، اما بیشتر کشته‌شدگان از یک قوم هستند. خانم اسحاق‌زی می‌گوید «من این ادعا را رد می‌کنم که مشخص روی قوم اسحاق‌زی انگشت می‌گذارند.

آقای کمین به نقل از منبع دیگری می‌گوید طالبان کسانی را که متعلق به قوم اچکزی هستند، در ادارات دولتی یا در نهادهای امنیتی کار می‌کنند، اعضای خانواده‌شان را گروگان می‌گیرند و از آن‌ها می‌خواهند به سپین بولدک بروند و به طالبان تسلیم شوند. «در شهر قندهار یک کسی آمر حوزه امنیتی پولیس است که دو زن دارد و زنان او در سپین بولدک زندگی می‌کنند. طالبان به خانه آمر حوزه رفته، از زنان و کودکانش فیلم‌برداری کرده برایش فرستاده. آمر حوزه را تهدید کرده که به سپین بولدک برود و خانواده‌اش را نجات دهد، وگرنه طالبان زنان و کودکان او را می‌کشند.»

فدامحمد افغان می‌گوید بر علاوه پسرانش، برخی از افراد قبیله‌ی اچکزی نیز به‌دست گروه طالبان کشته و یا مفقود شده‌اند. وی از کسانی به نام‌های «عصمت» و «حاجی حیات» یاد می‌کند که در روزهای اخیر توسط گروه طالبان تیرباران شده‌اند. «حاجی حیات پسر حاجی شاه خان بود. حاجی شاه خان از بزرگان قوم اچکزی در سپین بولدک بود که قبلا توسط گروه طالبان ترور شد. حالا پسرش حاجی حیات را نیز در همان شب اول تسلط طالبان بر سپین بولدک، تیرباران کردند.» آقای افغان می‌گوید بیشتر جنگ‌جویان گروه طالبان از مردمان محل هستند که اکثریت شان متعلق به قبایل نورزی و اسحاق‌زی می‌باشند.

تصفیه حساب قومی؛

در سپین بولدک چه می‌گذرد؟

عباس عارفی

از جنگ‌جویان این گروه سوار بر دو موتر، حدود ساعت ۲:۳۰ نیمه‌شب وارد خانه‌ی فدامحمد افغان، یکی از اعضای شورای ولایتی قندهار در شهرک مرزی سپین بولدک شدند. طالبان دو پسر فدامحمد افغان به نام‌های شیرمحمد افغان و محمود خان افغان را از خانه کشیده و هر دو را تیرباران کردند.

آقای فدامحمد در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید پسرانش مأمور امنیتی و کارمند حکومت نبودند، اما طالبان آن‌ها را بدون هیچ جرم و دلیلی نیمه‌شب از خانه بیرون کرده و کشته‌اند. «محمود خان مسئول کمیته المپیک در سپین بولدک بود و شیرمحمد شغل آزاد داشت. طالبان در بیانیه‌ی خود نوشته‌اند که مشکل ما شخصی بوده، مگر هر کس مشکل شخصی داشت طالبان می‌کشند؟ اگر مشکل شخصی باشد باز هم طالبان مسئول هستند.» در همین حال سازمان دیده‌بان حقوق بشر گزارش داده است که «گروه طالبان پسران فدامحمد افغان را به اتهام داشتن رابطه نزدیک با خانواده جنرال عبدالرازق اچکزی، قومندان امنیه پیشین این ولایت که در سال ۲۰۱۸ کشته شد، تیرباران کرده‌اند.»

کریم کمین، استاد دانشگاه قندهار در گفت‌وگو با اطلاعات روز در رابطه به منازعه قومی/قبیله‌ای در قندهار می‌گوید این که دو قبیله‌ی نورزی و اسحاق‌زی در هماهنگی با همدیگر مخالف قوم/قبیله اچکزی و همین‌طور مخالف حکومت هستند. بنابراین افراد این قبیله در سپین بولدک در حمایت از گروه طالبان فعالیت داشته و دارند. افراد قبیله اچکزی که از نزدیکان جنرال عبدالرازق هستند، برخلاف نورزی و اسحاق‌زی حامی حکومت افغانستان بوده‌اند. آقای کمین می‌گوید به‌دلیل منازعه و دشمنی دیرینه‌ی قومی و قبیله‌ای در سپین بولدک، «حالا که طالبان آنجا حاکم شده‌اند، شب‌ها با استفاده از تاریکی وارد خانه‌ها می‌شوند و دست به کشتار می‌زنند. آمار کشته‌شدگان بیشتر از این ارقام است که در خبرها نشر می‌شود، چرا که روند شناسایی افراد متعلق به قوم اچکزی و کشتار آن‌ها از سوی طالبان جریان دارد.»

آقای کمین به نقل از منبع دیگری می‌گوید طالبان کسانی را که متعلق به قوم اچکزی هستند، در ادارات دولتی یا

وزارت امور داخله افغانستان می‌گوید گروه طالبان پس از تسلط بر ولسوالی سپین بولدک در ولایت قندهار، حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ تن از افراد ملکی را از خانه‌های‌شان بیرون کرده و در حدود ۱۰۰ نفرشان را تیرباران کرده‌اند. میرویس ستانکزی، سخن‌گوی وزارت داخله به روزنامه اطلاعات روز گفته بود که اجساد غیرنظامیان در چوک سپین بولدک و ریگستان‌ها دیده شده‌اند. به‌گفته‌ی او غیرنظامیان کشته‌شده از طیف‌های مختلف جامعه از جمله ورزشکار، نویسنده، تاجر، وبلاگ‌نویس و افراد عادی بوده‌اند. آقای ستانکزی گفته بود که طالبان این کمیت بزرگ غیرنظامیان را در یک اقدام «انتقام‌جویانه» کشته‌اند.

در همین حال سازمان دیده‌بان حقوق بشر در گزارشی نوشته بود گروه طالبان برای یافتن کارمندان دولت و نیروهای امنیتی افغانستان جست‌وجوی خانه‌به‌خانه را آغاز کرده‌اند و به نقل از برخی منابع محلی، بیشتر از ۳۰۰ تن توسط گروه طالبان بازداشت شده‌اند که تاکنون هیچ خبری از آن‌ها نیست. به دنبال این رویداد و نشر خبرهای مبتنی بر کشتار هدفمند افراد ملکی از سوی گروه طالبان در سپین بولدک، دادستانی کل افغانستان در خبرنامه‌ی اعلام کرده است که «در پرتو معاهدات بین‌المللی، این رویداد ناگوار مصداق بارز از جرایم بین‌المللی بوده و در کد جزای افغانستان نیز به صراحت تحت جرایم نسل‌کشی و جنایت جنگی، جرم‌انگاری شده است.» در این خبرنامه آمده است که دادستانی کل افغانستان به ارگان‌های امنیتی-کشفی هدایت داده تا در هماهنگی با ریاست خاندانی مبارزه با جرایم بین‌المللی، این رویداد را در پرتو قوانین نافده‌ی کشور به‌گون همه‌جانبه بررسی نموده و یافته‌های خویش را غرض تحقیق و تعقیب عدلی و مجازات مرتکبین آن، با این اداره شریک کند.

گروه طالبان روز سه‌شنبه، ۲۳ سرطان سال جاری ولسوالی سپین بولدک در ولایت قندهار را از کنترل نیروهای امنیتی افغانستان خارج کردند. ولسوالی سپین بولدک هم مثل بسیاری از ولسوالی‌های دیگری که در ماه‌های اخیر سقوط کرده، بدون جنگ و درگیری شدید به‌دست گروه طالبان افتاده است. پنج روز پس از تسلط طالبان بر این ولسوالی، چهل تن



F45

فروشگاه F45

افتتاح شد!

سرک عمومی قلعه فتح الله، بین سرک ۸ و ۹، سعادت پلازا، کابل - افغانستان.

www.f45.af/info